



این شماره تقدیم می‌شود به ساحت

شهید

روح‌الله عجمیان

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۸۲
چهارشنبه ۶ خرداد ۱۴۰۵

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال



سرمقاله

نگاهی براوپیک، ایران و نظم جدید تنگه هرمز

تقریباً ۹۰ درصد صادرات نفت کشورهای عربی از خلیج فارس انجام می‌شود و اگر دولتی توانایی مدیریت جریان این صادرات را داشته باشد ولو بدون صادرات یک قطره نفت با وجود اینکه از اوصاف لازم مصرح در بند C ماده ۷ اساسنامه اوپک جهت عضویت در این سازمان برخوردار نیست، اما عضویت آن به جهت ملاحظات یاد شده برای حفظ درآمد نفتی اعضای عربی اوپک به خصوص به اصطلاح دولت‌های نوظهور عربی حاشیه خلیج فارس که وجودشان مبتنی بر درآمد حاصل از فروش نفت می‌باشد یک امر ضروری به نظر می‌رسد.

حال که پس از تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی با حمایت‌های برخی از اعضای اوپک به ایران، تنگه هرمز بسته شده و ضمن اعلام رسمی تغییر نظام عبور و مرور ترانزیتی با مدیریت و نظارت ایران در آن و هدف قرار گرفتن تاسیسات پالایشی و انتقال مبتنی بر لوله‌های در مالکیت کشورهای مذکور (که نتایج این اقدامات نیز از سقوط نمودارهای مرتبط با صادرات نفت از خلیج فارس به خصوص کشورهای عربی به وضوح روشن است)، به نظر می‌رسد که حکام عرب عضو اوپک می‌بایست خیال خام همکاری با غربی‌ها را برای تضعیف جایگاه ایران در اوپک از سر برهند و دست همکاری را دراز و با ایجاد رقابت سالم نفتی به حفظ و ثبات خودشان، منطقه و امنیت نفتی جهان کمک کنند. ♦

جهت تصرف فاو و قطع کردن ارتباط عراق با خلیج فارس توسط ایران ایجاد شد، اقدامی که بلافاصله با تصمیم عربستان سعودی جهت پیروی از استراتژی حفظ سهم بازار با افزایش تولید، قیمت نفت را کاهش داد و هزینه جنگ را برای دوطرف بیش از درآمد نفتی‌شان قرارداد. پس از پایان جنگ، شروع بازسازی و توسعه صنعت نفت ایران، کشور با تحریم‌های نفتی و مالی شدیدی روبه‌رو شد و این تحریم‌ها به شدت بر میزان تولید نفت ایران اثر منفی گذاشتند، به نحوی که در حال حاضر صادرات نفت ایران با در نظر گرفتن وجود ذخایر بزرگ در کشور عددی حدود ۱.۸ میلیون بشکه در روز با مشتری انحصاری چین است که حتی در صورت قطع این صادرات، کشورهای عربی با استفاده از ظرفیت مازاد خود و کشورهای غربی با آزاد سازی موقتی ذخایر راهبردی توانایی مدیریت این شوک را دارند.

اما باید گفت بازی در اینجا خلاصه نمی‌شود، تحلیل فوق صرفاً بنا بر ارزیابی قدرت دولت‌ها در زمینه تولید، فروش و کسب درآمد نفتی است، امری که یک پازل اساسی آن در تحلیل‌های مربوط به اوپک مفقود است. چنانکه قبل تر گفته شد، اوپک وظیفه تعیین قیمت از طریق تعیین سقف تولید را جهت بازگشت درآمد و حفاظت از منافع کشورهای تولید کننده دارد، اوپک در این بیان یک امر بسیار راهبردی را مسلم فرض کرده است، و آن موضوع صادرات فیزیکی نفت است.

با درک آسیب‌پذیری خود در برابر قیمت نفت تصمیم به اقداماتی از جمله تاسیس آژانس بین‌المللی انرژی یا به اختصار IEA و ایجاد درگیری و رقابت‌های ناسالم بین اعضا (جنگ ایران و عراق گرفتند، اما همچنان این سازمان با ۱۳ عضو) تعلیق بودن عضویت اندونزی و خروج امارت متحده عربی و اکوادور) با ایجاد همکاری موثر با سایر کشورهای صادر کننده در ذیل اوپک پلاس جایگاه تأثیرگذار خود را حفظ کرده است. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، شرایط تولید نفت در ایران به عنوان یکی از اعضای اصلی و موسس اوپک دستخوش تغییر شد، در ابتدا انقلابیون صنعت نفت دست به اعتصاب زدند و تولید و نفت کاهش پیدا کرد و نتیجه‌اش را در قیمت نفت به سرعت نشان داد؛ شرایط پس از تجاوز عراق به خاک ایران و حملات به زیرساخت‌های نفتی دو کشور بسیار پیچیده تر شد، تجاویز که با حمایت واضح غربی‌ها به واسطه تصمیم به مهار ایران به دلیل تامین امنیت انرژی غرب به خصوص ایالات متحده انجام شد. به نظر می‌رسد امری را که صدام توانایی فهم آن را نداشت، غربی‌ها با تمام وجودشان حس کرده بودند، و آن امر چیزی نبود جز قدرت نفتی ایران نه تنها به واسطه داشتن ذخایر عظیم نفتی، بلکه در اختیار داشتن مسیر عبور نفت خاورمیانه به غرب. این فهم برای صدام در سال ۱۳۶۴ پس شروع عملیات ایران

سازمان کشورهای صادر کننده نفت یا به اختصار OPEC ، در سال ۱۹۶۰ در نشست بغداد با دعوت عراق و با حضور کشورهای ایران، ونزوئلا و عربستان سعودی تاسیس گردید تا اعضای موسس آن از منابع طبیعی خود در برابر قیمت‌گذاری‌های ناعادلانه کارتل‌های نفتی غربی حفاظت کنند و برای ضررهای مالی ناشی از آن چاره‌ای بی‌اندیشند.

هدف اصلی این سازمان تامین منافع کشورهای صادر کننده نفت از طریق ایجاد ثبات قیمتی در بازار و تضمین بازگشت اصل سرمایه و سود حاصل از سرمایه‌گذاری نفتی در کشورهای تولید کننده نفت خاورمیانه و ونزوئلا می‌باشد. مکانیزم اصلی تعیین قیمت نفت در اوپک، تعیین سقف سهمیه و تولید نفت هر کشور جهت مدیریت عرضه و تقاضا جهانی است. جایگاه اوپک در چند برهه تاریخی به شکل اساسی در بازار جهانی نفت و عرصه بین‌المللی صنعت انرژی جهان تقویت شد، تحریم عربی محور اوپک علیه غربی‌های حامی رژیم صهیونیستی در جنگ اعراب-اسرائیل (یوم‌کیپور) سال ۱۹۷۳ و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ از جمله اساسی ترین اتفاقات موثر بر تثبیت و ارتقای جایگاه جهانی اوپک می‌باشد. هرچند بعد از جنگ اعراب-اسرائیل ۱۹۷۳ کشورهای غربی

عملیات میدانی

نقض آتش بس در سایه نظم جدید هرمز؛ از حمله سنتکام تا تسلیم امارات

سپاه از عبور ۲۵ فروند کشتی با مجوز مستقیم تهران طی ۲۴ ساعت گذشته خبر داد. نکته فنی و بسیار مهم، گزارش موسسه ویندوارد است؛ نفتکش فجیره با خاموش کردن دریاب خود در خلیج عمان و حرکت در وضعیت تاریک تا نزدیکی جزیره لارک، عملاً نشان داد که امارات پس از حملات اخیر، برتری میدانی ایران را پذیرفته و از الگوهای ترددی مورد نظر تهران پیروی می‌کند. همزمان، حادثه دریایی جدید در ۶۰ مایلی مسقط، نشان می‌دهد که شعاع ناامنی برای خارج از دکتترین ایران همچنان رو به گسترش است.

بامداد سه‌شنبه، سنتکام با اعتراف به نقض آتش بس، از حمله به اهدافی در جنوب ایران خبر داد. سخنگوی فرماندهی مرکزی مدعی شد که موشک اندازه‌ها و قایق‌های مین‌گذار را هدف قرار داده و یک سایت موشک زمین به هوا را در بندر عباس (پس از درگیری با جنگنده‌های آمریکایی) بمباران کرده است. این تنش نظامی در حالی رخ می‌دهد که سنتکام صراحتاً اعلام کرده پروژه آزادی (اسکورت کشتی‌ها) از سر گرفته نشده و هیچ کشتی تجاری را همراهی نمی‌کند. در مقابل، ایران در حال تثبیت نظم نوین خود است. نیروی دریایی

اقتصاد سیاسی

دیپلماسی ۱۲ میلیارد دلاری؛ شبخ «هتريک اشتباهات» بر سر مذاکرات دکتر قالیباف

میراث شهید رئیسی: انتقال این منابع به قطر بدون دسترسی کامل و ماندگاری در وضعیت بلوکه. اکنون کارشناسان هشدار می‌دهند که آیا قالیباف با اعتماد به تفاهم‌نامه‌ای که واشنگتن هنوز در آن حاضر به رفع محاصره دریایی نشده، هتريک اشتباهات سلف خود را تکرار خواهد کرد؟ به‌ویژه که مهدی خاتعلی‌زاده فاش کرده آمریکا حتی پس از بازگشایی احتمالی هرمز، مدعی است کشتی‌های ایرانی باید با مجوز واشنگتن تردد کنند؛ ادعایی که با دکتترین ایران قوی در تضاد مطلق است.

در جبهه دیپلماتیک، سفر دکتر قالیباف به قطر با هدف عملیاتی کردن آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار (نیمی از ۲۴ میلیارد دلار منابع بلوکه شده) انجام شده است. طبق یادداشت تفاهم ۱۴ ماده‌ای، ایران خواستار دسترسی فوری به این مبلغ درگام اول است. با این حال، سایه سنگین تجربیات تلخ گذشته بر این مذاکرات سنگینی می‌کند: میراث روحانی: قفل شدن ۷ میلیارد دلار در کره جنوبی ذیل سازوکار برجام و افت ارزش یک میلیارد دلاری آن به دلیل تبدیل به «وون».

اقتصاد انرژی

فلج اقتصادی در دوسوی خلیج فارس؛ از کسری بودجه قطر تا بحران بنزین در ایران

گرانی، تمرکز بر مدیریت کارشناسی ناترازی و ترمیم زیرساخت‌های آسیب‌دیده معطوف شده است. این یعنی تهران در لبه باریک مدیریت مصرف بدون ایجاد تنش اجتماعی حرکت می‌کند. در میان این تنش‌ها، پهلوی گرفتن نفتکش شرکت ایده‌میتسو ژاپن در جزیره هونشو، یادآور حادثه ۷۳ سال پیش و شکستن محاصره انگلیس توسط ژاپنی‌هاست؛ پیامی نمادین که نشان می‌دهد حتی در اوج بحران، برخی بازیگران بزرگ ترجیح می‌دهند با واقعیت قدرت در ایران کنار نیایند.

انسداد شریان هرمز، اکنون در حال بلعیدن اقتصادهای وابسته است:

بحران در قطر: توقف صادرات LNG، دوحه را با کسری بودجه ۲.۸ میلیارد دلاری روبرو کرده است. صندوق بین‌المللی پول در گزارشی تکان‌دهنده، از کوچک شدن ۸.۶ درصدی اقتصاد قطر در سال ۲۰۲۶ خبر می‌دهد؛ کشوری که بخش اعظم بودجه ۶۰ میلیارد دلاری‌اش به گاز گره خورده است. تنگنا در ایران: دولت رسماً اعلام کرده که تنها توان تأمین ۱۰۰ میلیون لیتر بنزین در روز را دارد. بار د شایعات